



نگاهی به مجموعه شعر  
«سیب امتداد آرنج من است»،  
اثر محمود جعفری

# سیب ممنوعه



## چکیده

جعفری در مجموعه شعر «سیب امتداد آرنج من است»، به تجربه تازه‌ای در زبان و دریافت‌های شاعرانه دست یافته است. شعرهای این مجموعه پخته‌تر و تأثیرگذارتر شده‌اند. تکرار در یک سطر، یا تکرار سطری خاص و استفاده از زبان محکم و استوار، از جمله ویژگی‌های مجموعه شعر «سیب امتداد آرنج من است» اند.

جوهر شاعرانه در کار جعفری وجود دارد؛ اما با توجه به تک سطرهای درخشان این مجموعه، برای رسیدن به وحدت ارگانیک و آشنایی‌زدایی، معانی پنهان و رمزگرای شعرها هنوز می‌توان روی شعرهای این مجموعه کار کرد.

از ویژگی‌های برجسته دیگر این مجموعه، به کارگیری موسیقی در شعر است که شاعر از اهمیت آن در شیواکردن شعر به خوبی آگاه بوده است و نیکو از آن استفاده کرده است. این یکی از تکنیک‌های درونی شعر شاعر است که شعرهای او را روان و سلیس کرده است.

با توجه به این که تخیل شاعر، وابستگی جدی به توان‌مندی شاعر دارد؛ گسترش تخیل اگر چه سری در وجود عصیانگر و شورشی شاعر در به کارگیری و ابداع تکنیک‌ها، شگردها و آرایه‌های ادبی شاعر، نقش اساسی دارد که جعفری به این مقوله توجه جدی داشته است. همین‌طور شاعر کوشیده است با آفرینش واژه‌ها و آمیغ‌های نوآیین، به شعر جان تازه‌ای ببخشد و از واژه‌های فرسوده و دم‌دستی دیگران استفاده نبرد. ترکیب‌های نو و خلاقانه شاعر در این مجموعه، گواه بر این نوآیینی‌اند. در مجموع قدرت شاعر در واژه‌آفرینی نیکو است و متکی به تخیل و تفکر شاعر است و چنین است که عاریت کم‌تری از شاعران دیگر گرفته است. مهم‌ترین سؤال‌های پژوهش در این تحقیق این است که جعفری در شعرهای‌شان با چه نگرش و دیدگاهی به مفاهیمی مانند صلح و دوستی، جنگ، عشق، زندگی، دغدغه‌های اجتماعی، مردم، عدالت اجتماعی و

انسانی زیستن پرداخته است؟

این پژوهش به روش مطالعه از نوع تحلیل محتوا با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی با هدف واکاوی مؤلفه‌های زندگی، عشق، انسان‌دوستی، جنگ و ضد جنگ در شعرهای جعفری انجام شده است و پس از بررسی کتاب شعر سیب امتداد آرنج من است، سعی شده است میزان مطالب شعری جعفری درباره انسان‌دوستی، جنگ و صلح، عشق و زندگی، نکوهش جنگ و سرانجام دادخواهی برای پرهیز از جنگ بررسی شود. همین‌گونه به آرایه‌های ادبی که به این مقوله‌ها کمک می‌کنند، نگاه تخصصی و کاربردی انداخته شده است که توان شاعر را در ارائه مطلب نشان می‌دهند.

**کلید واژه‌ها:** زندگی، جنگ، صلح، عشق، مردم و اجتماع، آرایه‌های ادبی، تکنیک‌های شاعرانه.

## مقدمه

مجموعه شعر سیب امتداد آرنج من است، تازه‌ترین مجموعه شعر محمود جعفری است که شامل پنجاه شعر در قالب شعر سپید است که از سوی انتشارات نشر دانشگاه منتشر شده است. این کتاب چهارمین



مجموعه شعر شاعر است. مجموعه شعر سیب امتداد آرنج من است، مجموعه یک‌دست است، دارای روای‌های گوناگون و این روایان در واقع شخصیت‌های متفاوتند که از یک چیز رنج می‌برند و آن هم اندوه‌های انسان افغانستانی است. شخصیت‌هایی که تا انتهای مجموعه شعر، روان شعر و مخاطب را رها نمی‌کنند و نوعی هم‌ذات‌پنداری را در مخاطب شعر ایجاد می‌کند.

از سوی دیگر در کلیت شعر شاعر مقوله هیجان‌انگیز زیادی دیده نمی‌شود؛ ولی در عوض سطرهای زیبای شاعرانه زیاد دیده می‌شوند. از این رو، این شعرها، شعرهایی با سطرهای زیبا محسوب می‌شوند. پویایی بخشی و سیال‌گری در شعرها، حضور مفاهیم و عواطفی که برون‌داد سواد و میزان مطالعات جعفری است، نشان از پختگی شعر شاعر دارد و رابطه شاعر را با متن‌های گذشته نشان می‌دهند.

در طرف دیگر، جعفری می‌کوشد در شعرهایش به لایه‌های پنهانی احساس دست یابد که در حقیقت نماینگر رابطه شاعر با زندگی، زندگی اجتماعی، محیط‌زیست شاعر و نگرش دلسوزانه‌اش به اجتماع و مردمش است. از این رو، در اشعار شاعر بلوغ کلمات همراه با احساس در گام نخست و سپس اندیشه، گره خورده است؛ چنین است که اثرش را با انعکاس مستقیمی از تحولات اجتماعی، عشق، مرگ، زندگی، دغدغه‌های انسانی زیستن و بودن در اختیار مخاطب می‌گذارد و او را می‌دارد که در این موارد بی‌کنش نباشد که تشخیص در گزینش کلمات و رغبت نشان‌دادن نگاهش به مقوله‌های متفاوتی از زندگی اجتماعی به این نگاه کمک کرده‌اند.

با توجه به این که شاعر در این مجموعه از تمام ظرفیت‌های محتوم شعرش استفاده نکرده است؛ اما او در این مجموعه نشان داده است که شاعر ملایمی است که شعرهایش با عشق، زندگی، درد و دغدغه‌های اجتماع عجین شده است و با عمق وجودش به معصومیت این مقوله‌ها ایمان دارد و همین ایمان و اعتقاد به زندگی شاعرانه و با مردم زیستن و با هنر شعر در خدمت مردم بودن از او شاعر مهربان، دلسوز، عاشق به زندگی و مردم ساخته است. چنین است که سادگی، زبان آشنا و ملموس،



لطافت و ظرافت محسوس و نامحسوس از ویژگی‌های شعر شاعر به حساب می‌آیند. استفاده از فعل استمراری «می‌کشد»، «می‌افتد»، «می‌گیرد»، «می‌کند» استفاده از عناصر خیال، عاطفه، تشبیه و تشخیص و وحدت منسجم متن نشان می‌دهند که شاعر در برخورد دموکراتیک با متن و سادگی سرایشی موفق بوده است. این گونه است که عشق، انسان، مادر، گل، خدا و... هویتی مستقل به خود می‌گیرند و رنگ‌ها با تار و پود عشق، زندگی و انسان آغشته می‌شوند و جهان متفاوت شاعرانه شکل می‌گیرد.

ذوق‌زدگی در کشف شاعرانه از ویژگی دیگر شعر جعفری است که او را واداشته است تا تقلیدی شعر نگوید و چنین است که ایشان در شناساندن رمز و راز هستی از دریچه نگاه خویش به مخاطب موفق بوده است و چهره زندگی در شعرهای ایشان واقعی‌تر به نظر می‌رسد و به سمت کلیشه‌ای و بدلی پیش نمی‌رود.

به دیگر سخن، جعفری با توجه به روزگار تلخ وطنی که او را دوره کرده است، به اطراف، مردم و روزگار حساس‌تر دیده می‌شود و چنین است که از مرز تماشاگر فراتر می‌رود و خود را در متن ماجراها می‌بیند. از این رو با تمام نیازها، دغدغه‌ها و رؤیاهایی که دارد با کمال شجاعت از بذر درد و اندوهی سخن می‌زند که بیشتر حاصل دریافت مستقیم و یابی واسطه او از اطراف و روزگار است و این گونه است که شعرهایش بیشتر شبیه به عصیان و طغیان است تا حس آرامش و امنیت که شاعر با آن بیگانه می‌نماید.

### رویکرد شاعرانه

در مجموعه شعر سیب امتداد آرنج من است، با شاعری مواجهیم که حرف‌هایی برای گفتن دارد. شاعر جهان‌بینی‌ای دارد که ویژه خودش است. شعرهایی که عمیق با آن به جهان اطراف شاعر نگریسته شده‌اند و می‌توان حس اعتراض شاعر به اوضاع اجتماعی را در آن به روشنی دید. اعتراضی که در فریاد و توپ و تشر خلاصه نمی‌شود؛ بلکه خود عمق جان شاعر است. با بیان این که شعر جعفری شبیه خودش است که شور و شیدایی‌ها پیش از کلمات، به جان شعر وزیده‌اند و چنین است که حال و احوال شعرها لطیف و شاعرانه می‌نماید.

از دره پایین می‌آیند  
چشم‌انت  
آینه را دو برابر می‌کند.  
(جعفری، ۱۳۹۶: ۴)

مجموعه شعر سیب امتداد آرنج من است، از نظر محتوایی فضای پر از ملال و اندوه را پیش روی مخاطب قرار می‌دهد، فضایی که شاعر را در خودش غرق کرده است و در نهایت این که شاعر در عوض کردن شرایط حاکم بر زندگی اجتماعی اش ناتوان است و سرانجام این فضای مه‌آلود زندگی در زیستگاه طبیعی شاعر او را به شکایت وا می‌دارد و این شکایت آگاهانه روشنگرانه شکل شاعرانه به خود می‌گیرد و شعر می‌شود. شعرهای منشوری که بر اساس یک تم مرکزی حرکت می‌کنند یا به عبارت دیگر ساختار معنایی و توجه به مضمون، بیش از سایر نکات و قواعد شعری در آن‌ها دیده می‌شوند.

گیسوانت را

گره

گره

روی پامیر بیفشان

بامداد در شب طلوع می‌کند.

(جعفری، ۱۳۹۶: ۹)

به دیگر سخن، نگاه شاعر به شعر، نگاه تفننی نیست و همه این‌ها البته وجه‌های لازم‌اند و کافی نیستند. در این شعرها، دانش و سواد جعفری پشتوانه کارش است و از ذوق هم بهره خیلی خوبی گرفته است و به شعرش نیز از خودش نزدیک‌تر است و جنبه‌های علمی و آکادمیک جعفری را در آثارش می‌توان دید که به استواری شعرهایش کمک کرده‌اند. از این رو، «نشانه»‌های شعر ایشان ظرفیتی‌اند که می‌توانند به تعداد تمام مخاطبان آن، معنا تولید کنند. چنین است که تمام تلاش ایشان برای بیان صریح موضوعات مدنظرش نیست؛ بلکه آن را غیر مستقیم، شاعرانه و پوشیده در لایه‌های معانی‌ای شاعرانه بیان کرده است.

دلوی

۱۳۹۴ بالا می‌کشی از چاه

ماه خونین

جهان را می‌شورانند.

(جعفری، ۱۳۹۶: ۱۵)

جعفری را در مجموعه شعر سیب امتداد آرنج من است، در قامت شاعری با روحیه نرم و لطیف می‌توان دید؛ اما از بعد دیگر او شاعری به سبک شاعران خراسان است که زبان تلخ و درشت دارد و این زبان را می‌توان در شعر نامه‌ای به رئیس جمهور دید. شعرهای جعفری در لایه‌های زبان پیچیده سروده نشده‌اند؛ بلکه به خاطر طولانی بودن بیشتر شعرها، فرم‌پذیری در بیشتر آن‌ها شکل نگرفته است و شعر از نظر فرم زبانی به شعرگفتار نزدیک شده است. از این رو، پرش زبانی و جور در نیامدگی، از لحاظ کلیت زبانی شعر، یعنی جور در آمدگی زبان با محتوا (که البته منظور الزام یک دست‌بودگی زبان نیست)، در شعرهای ایشان دیده می‌شوند؛ چنین است که شعرها از نظر نحوی و قالبی گاه ته به ته زبان آرکاییک می‌زند.

جعفری در مجموعه شعر سیب امتداد آرنج من است، به دنبال فلسفه‌بافی نیست و هر بار در لباس تازه، در فرم ذهنی نو، ظاهر نمی‌شود؛ بلکه امر پیچیده را ساده ارائه می‌کند تا اندیشه نو شاعرانه راحت‌تر در ذهن مخاطب بنشیند. تنها کوتاهی‌ای که می‌توان در این مجموعه دید، لو دادن تم و موتیف مقید شعر در همان شعرهایی ابتدایی است.



مادرم هر روز با مرگ تازه وضو می‌گیرد  
 کبوترها را دعا می‌کند  
 پرستوها را  
 که در صحرای زابل گرفتار گرگ‌ها شده‌اند.  
 (جعفری، ۱۳۹۶: ۱۱۱)

باتوجه به این‌که این مجموعه محصول تجربه‌های زیستی شاعر است؛ یعنی شعرهای شاعر یا حاصل تجربه‌های زیستی شاعرند یا بهره‌های شاعر از تجربه‌های زیستی دیگرانند که در بخش نخستین خطر گنگی اشعار و عدم درک درست مخاطبان از تجربه‌های زیستی شاعر، خطر است که شاعر از پس آن خوب برآمده است و مخاطب در فهم شعر شاعر چندان گرفتار گنگی نمی‌شود. در بخش دوم شاعر کم‌تر از تجربه‌های زیستی دیگران استفاده کرده است. البته در این مجموعه شاعر ضمن این‌که سعی کرده است فضاها و تصویرهای شعری خاص خود را بیافریند، تجربه‌های شاعران دیگر را با ویژگی‌های خاص شعری خودش ترکیب و بازآفرینی کرده است و چنین است که به آرامی از پرتگاه تقلید محض از آثار دیگران عبور کرده است. هم‌چنین خطر سطحی‌شدن شعرها نیز کم‌رنگ شده است.

ما پروژه شده‌ایم

برای موسی

برای محمد

ما پروژه شده‌ایم برای آبادی جهان

شکریه می‌میرد تا کودکان او با ما راحت بخوابند.

(جعفری، ۱۳۹۶: ۱۰۷)

باری، شعرهای مجموعه شعر سبب امتداد آرنج من است، شامل تصاویر زبانی و ذهنی انبوهی نیستند؛ اما آن‌چه که در این شعرها برجسته می‌نماید، جهان متنی است که ناگزیر به پوست‌اندازی شده است؛ زیرا این شعرها در بستری پیشرو و شکل می‌گیرند و شعر را تعریف نمی‌کنند؛ بلکه در شعرشدن نفس می‌کشند، سعی در اجرای آن دارند و آن‌چه که باید بگویند در ساده‌ترین چینش کلمات می‌گویند. از این‌رو، از زاویه دید، جعفری ساختارگرای جزئی‌نگر است و برای ورود به درون شعر شاعر، لازم است متن را قطعه‌قطعه کنیم تا زوایای پنهان شعر را بفهمیم. در واقع شاعر فقط می‌گوید دنیا آلبومی از تصاویر آشفته است و با نگفتن علت این آشفته‌گی، دست خواننده فعال را در تأویل باز می‌گذارد. به دیگر سخن، شاعر در این شعرها، تلاش دارد هر آن‌چه همواره در حاشیه بوده‌اند به متن وارد کند و در این راستا با استفاده از سیستم جانشینی و نشانه‌گذاری‌های ساختاری توانسته است خواننده را به رهیافتی تازه از زبان و مصداق‌های بیرونی نشانگان دلالت و راهنمایی کند. موتیف‌هایی که حول مرکزی مشترک، تشکیل شعری ساختمند می‌دهند که قدرت زبان در آن به شکلی از بازی‌های زبانی و چندواژگانی بروز پیدا می‌کند. با این حال شعرهای پیچیده و سنگین در کلیت شعرهای جعفری، انگشت شمارند. با تمام این پیچیدگی‌ها باتوجه به سبک و صنایع ادبی که جعفری استفاده کرده است، بیش‌تر این تکنیک‌ها در لایه‌های پنهان شعرها مانده‌اند و تراجم معنایی و تکنیکی ایجاد نکرده‌اند.

«مامد سبیا» تکه‌های سوخته روزنامه را جمع می‌کند



بوت‌هایش را می‌پوشد

تنش را روی خیابان می‌گذارد

با تکه‌های شکسته آینه که در باد می‌وزند.

(جعفری، ۱۳۹۶: ۱۰۲)

### فرم شاعرانه

جعفری در مجموعه شعر سبب امتداد آرنج من است، به دنبال فلسفه‌بافی نیست و هر بار در لباس تازه، در فرم ذهنی نو، ظاهر نمی‌شود؛ بلکه امر پیچیده را ساده ارائه می‌کند تا اندیشه نو شاعرانه راحت‌تر در ذهن مخاطب بنشیند. تنها کوتاهی‌ای که می‌توان در این مجموعه دید، لو دادن تم و موتیف مفید شعر در همان شعرهایی ابتدایی است. بهتر بود شاعر ابتدا با فضاسازی و تصویرسازی، مخاطب خود را درگیر متن و او را با خود وارد جهان متن می‌کرد تا از این طریق اثر تولید شده، خواننده را ترغیب به خوانش می‌کرد. به همین دلیل احساس می‌شود شاعر مخاطب را دست‌کم گرفته است و زود او را وارد متن کرده است تا با او بگوید که جهانی که در آن زندگی می‌کند و نفس می‌کشد، در بحران اندیشه و تفکر و... در مانده است؛ اما نکته‌ای که شاعر باتوجه به اشاره‌های بالا به آن‌ها توجه می‌کرد، سطرسازی و تداوم زبانی - زمانی شعر است به گونه‌ای که متن در خوانش، راحت و روان باشد و در نهایت بازی‌های زبانی که به کمک شی‌گشتی می‌توان به آن‌ها رسید، شکل بگیرد؛ یعنی این‌که چگونه با به‌کارگیری تخیل، از نشانه‌های داده شده در شعر استفاده کرد تا شعری چند تأویلی داشته باشیم.

موسیقی حروف ج ج ج خ، مراعات نظیر واژگان جنگ شامل شمشیر، جبهه، جنگ، خون، تفنگ و حتی واژه‌های لایه دوم چون عشق، وفاداری، مردم و اجتماع که با فرهنگ مردمی قرابت دارند و تلفیق این واژگان با جنگ، اشک، خون، رنگ‌های عاشقانه که در کشتار مردم بی‌گناه و اندوه



باز ماندگان قربانیان هم چون نشانه‌های از ستم‌ملی و خار جیان در جلو چشم مخاطب رژه می‌روند و همه و همه از این شعرها یک مفرنس‌کاری بی‌بدیل ساخته‌اند که روایی بسیاری دارند.

شتر بانان فلاخن در باغ می‌افکنند

تا هیچ آوازی پرنده نشود

من کودکانم را با خود می‌برم

دستانم را با خود می‌برم

قلبم را این‌جا می‌گذارم

پیش شما

آقای رئیس جمهور!

(جعفری، ۱۳۹۶: ۸۱)

برخی از ویژگی‌های شعر پست مدرن چون تکثرگرایی و چند صدایی، همراه کردن خواننده، پرسش‌انگیزی به جای پاسخ محوری، فاصله گرفتن از زبان ارکانیک، حماسی یا عرفانی و نزدیکی به زبان محاوره، تلفیق المانهایی از فرهنگ کلاسیک در بافت و قالب جدید، توجه به ارزش‌های بصری و آوایی و واژه‌ها و موسیقی حروف در شعر جعفری به روشنی دیده می‌شوند. برخی از شعرها با توجه به دلیل توجه به ساختمان شعر، آهنگ کلمات و ارزش‌های بصری به شعرهای فوتوریستی یا فرمالیستی می‌مانند؛ اما با آن هم وجه معنایی در این شعرها با فرمالیست‌ها فاصله معنادار خود را حفظ کرده‌اند.

پارچه‌ای بر من بیندازید

مرگ من

فاتحه‌ای است که

از راه دور خوانده می‌شود.

(جعفری، ۱۳۹۶: ۴۲)

جعفری می‌داند که شعر تنها غریزه و استعداد نیست؛ بلکه بخش مهمی از آن اکتسابی است. بنابراین، اگر به ماندگاری شعر امیدوار بود، باید در شعر «پایه‌گریز» نبود؛ زیرا «عادت‌زدایی» یا تابوشکنی و پایه‌گریزی نمی‌توانند باعث ماندگاری شعر شوند؛ هیچ ساختمانی بدون پایه بنا نمی‌شود، در شعر پایه‌ها و بنیادهای ادبی شعر کهن کلاسیک‌اند که به شعر امروز مبنا می‌بخشد و شعری که با این مبنا سروده شود، می‌تواند ماندگار شود که جعفری به این موضوع توجه داشته است و سواد ادبی او به این موضوع کمک کرده است.

اینک کجای این خاک از تو معطر است

ما کدام غربت خویش را

نم

نم

گریه کنیم.

(جعفری، ۱۳۹۶: ۲۶)

همین‌گونه شاعر با کمک گرفتن از تشبیهات و اصل تداعی معانی واژگان و خلق جملات وصفی جدید، به تقابل با عادات فکری در شعرهایش می‌رود و ذهن را از روزمرگی کلمات رها می‌کند و با ساخت منسجم شعر، ذهن مخاطب را هدایت می‌کند، موجز سخن می‌گوید و مخاطب را به هدفی که در ذهن دارد، رهنمون می‌سازد. در برخی از شعرها، با بهره‌گیری از ابزارهای فرم، شعرها حالت آوانگارد به خود می‌گیرند. در کنار آن، شاعر برای حصول به احراز هویت، دست به واکاوی گذشته‌ها می‌زند و اسطوره‌ها را نیز به چالش می‌کشد و این به دلیل رسیدن به چرایی‌های ذهنی است که در ناخودآگاه شاعر وجود دارد.

این دشت ستم پایانی ندارد

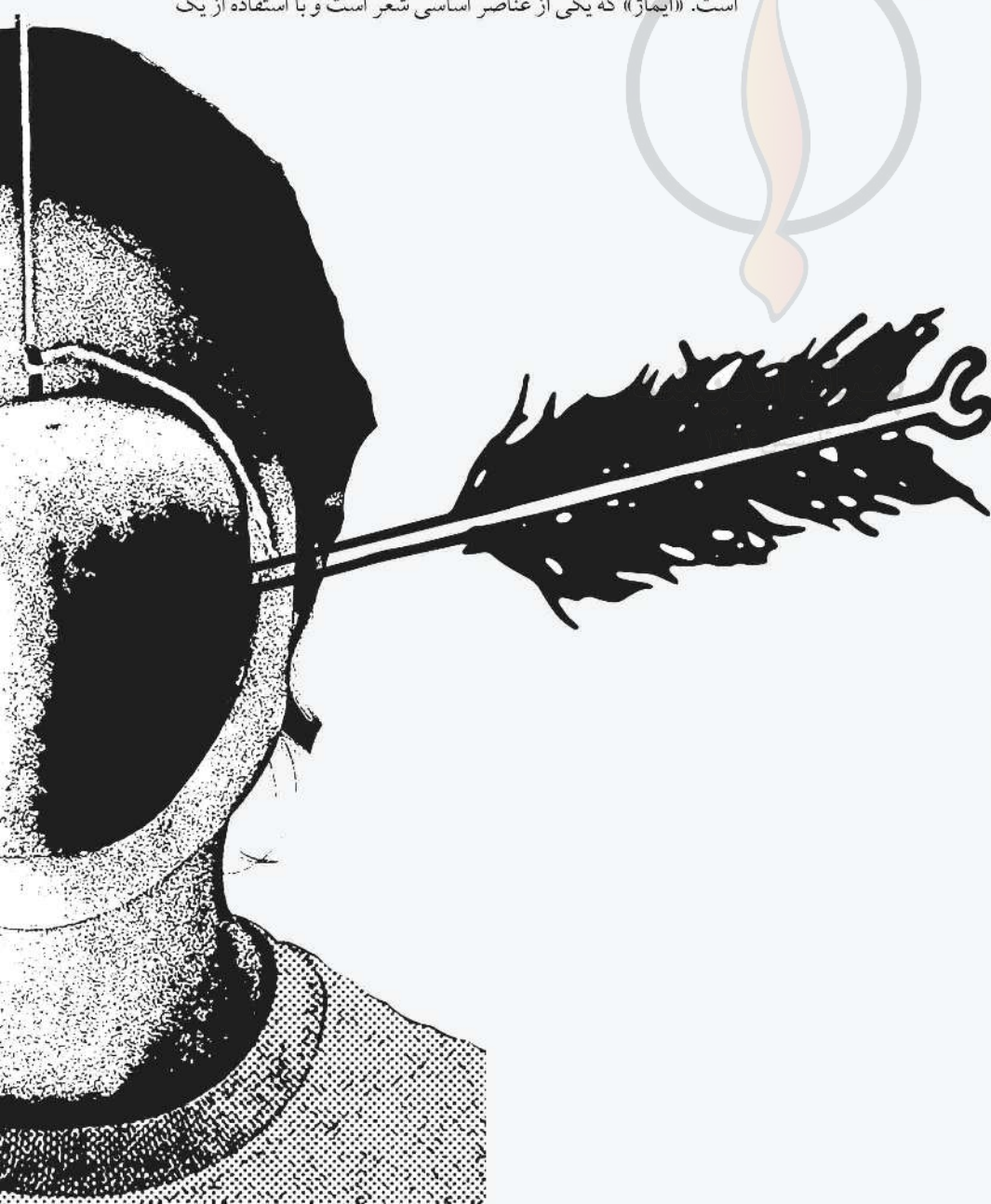
مرگ هم سکه‌ای نمی‌شود

ما کفش‌های مان را وصله زدیم

تا صدای تویی پاسخ نماند.

(جعفری، ۱۳۹۶: ۲۷)

شاعر در برخی از اشعارش به ایماژهای شاعرانه توجه جدی نشان داده است. «ایماژ» که یکی از عناصر اساسی شعر است و با استفاده از یک



یا چند واژه، یک موضوع کلیشه‌ای را، به حرف جدید و تصویر نوینی تبدیل کرده است. همین‌گونه با استفاده از اصل جایگزینی واژگان، دست به تغییر ساختار نحوی زبان زده است و این سبب شده است که زیبایی متن به لحاظ المان‌های یک متن از زیباشناختی متن فراتر رفته است و به شعریت متن کمک کرده است تا معانی بیشتری در ذهن خواننده شکل بگیرد.

دستارها بو گرفته‌اند  
آسیاب از گردش افتاده  
جهان روی کفۀ ترازو می‌چرخد  
ما بر بام گاو ماهی راه می‌رویم.  
(جعفری، ۱۳۹۶: ۲۹)

### مضمون‌پردازی

جعفری در مجموعه شعر سیب امتداد آرنج من است، مضمون‌پرداز است و در هر شعر، می‌توان دو سه مضمون خوب برخورد که تکراری نیستند. مضامینی که نوعی تعادل و یک‌دستی در آن دیده می‌شوند و از پرش‌ها و ناهنجاری‌هایی که گاه‌به‌گاه در شعر شاعران رخ می‌دهند، کم‌تر دیده می‌شوند. شاعر در حوزه‌های مضامین سیاسی و اجتماعی در این

مجموعه به نوعی تعادل می‌گراید. از این رو، در پرداختن به موضوعات اجتماعی عمیق‌تر می‌نگرد. در مواردی بعضی مضمون‌های تازه و زیبا در شعر دیده می‌شوند که در شعر ما یا دیده نشده‌اند یا کم‌تر روی نموده‌اند؛ ولی شاعر ما در این شعرها بیش از این که به مضمون‌سازی و تصویرگری‌های تازه متکی باشد، به روانی بیان و پرورش همان مضامین عام‌راغب است که گاهی شعرها را از بیان مضامین‌یابی دور کرده است.

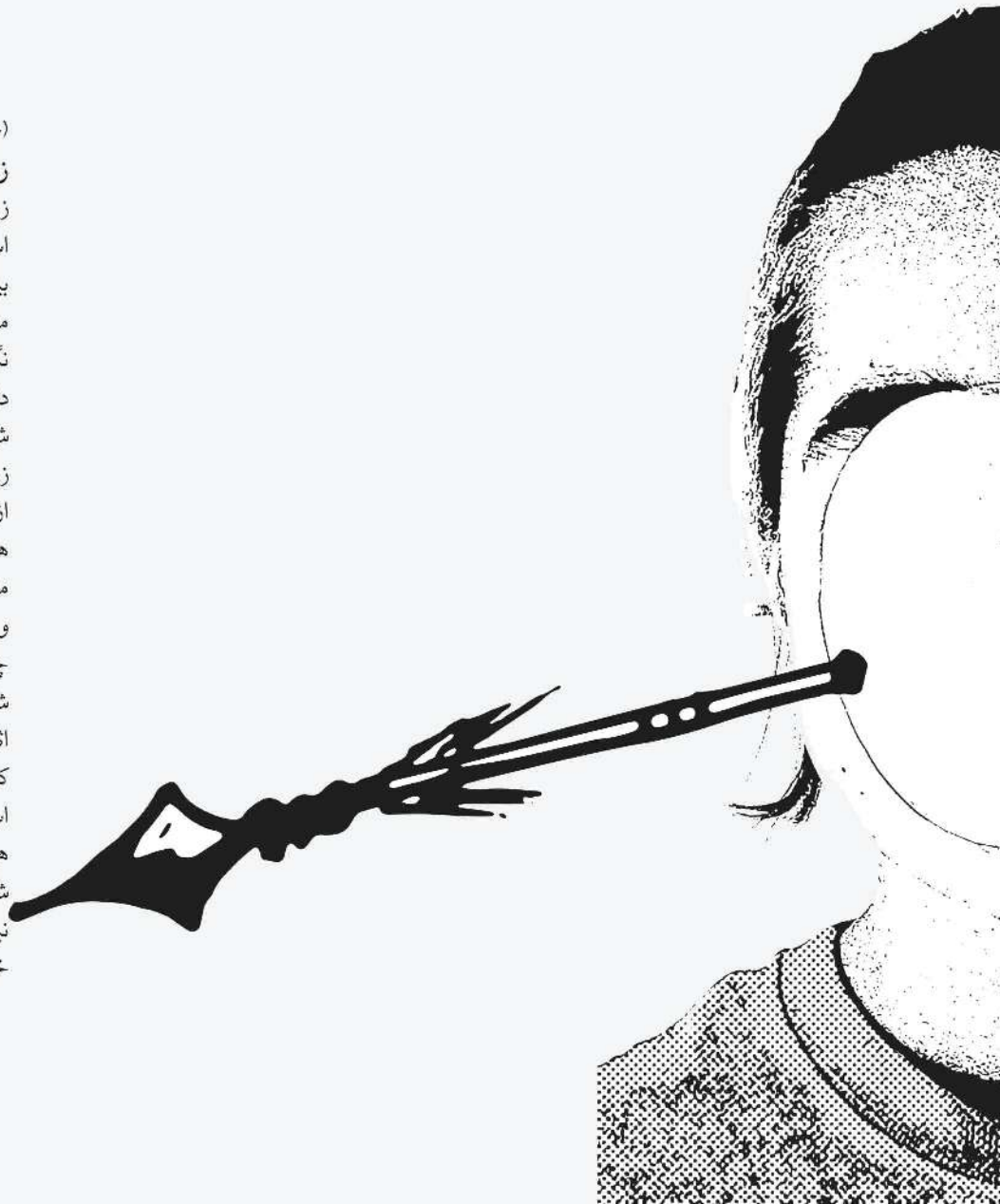
و اینک استاده‌ایم  
عابر عریان  
مسلخ پر از دستان بریده ما است  
انگار کفر مان نتیجه داده است.  
(جعفری، ۱۳۹۶: ۲۹)

جعفری در این مجموعه به عناصر ناخوشایند و نازیبای زندگی انسان افغانستانی در جامعه می‌شورد و همین از وی چهره‌ای معترض ساخته است. معترض به سنت‌های غلط و غیرانسانی، نبود عدالت اجتماعی، تبعیض و تعصب عریان مردمش، تلاش برای شکستن تابو، اقدام به آگاهی و خودیابی و خودشناسی که از دغدغه‌های اصلی شاعر به شمار می‌روند، توجه دارد.

ایستاده‌ایم  
روی تکه خاکی  
که هرگز از ما نبوده است  
ما در سرزمین دیگران شخم زدیم.  
(جعفری، ۱۳۹۶: ۳۰)

### زبان شاعرانه

زبان در آثار جعفری به مرحله‌ای رسیده است که از مرز تجربه صرف بگذرد و قوام بیابد. شاعر در برخی از شعرهایش، گاه از منظر زیباشناسی به شعر می‌پردازد که این نگاه می‌تواند در زبان نیز نفوذ کند و کاربرد داشته باشد و باعث زبان متفاوت‌تر در شعر شود. فضا سازی و زمینه‌سازی کوتاه با توسعه زبانی که به پایان‌بندی سریع می‌رسد به یکی از خاصیت‌های شعر جعفری بدل شده‌اند؛ همین تصویرسازی‌ها با وجودی که از عناصر مشابه بهره برده‌اند، سخت و ذهنی می‌شوند و نوع برخورد زبان با متن، میزان انتزاع آثار و چگونگی حالات و روحیات شاعر در بیان شعر، در برداشت‌های مخاطب و ارتباطش با اثر بسیار تأثیرگذار عمل می‌کند؛ چنین است که زبان شعرهای جعفری ساده و خوش‌خوان است. آن‌قدر ساده که گاهی ممکن است همین سادگی باعث شود خواننده بعضی از شگردهای زبانی را از دست بدهد. در واقع نباید فریب سادگی زبان شعرهای شاعر را خورد. جعفری در اشعارش به وقایع اطراف





خود به‌ویژه مسئلهٔ زبان به‌طور مستقیم از بعد سیاسی و یا جامعه‌شناختی نگاه نمی‌کند؛ بلکه او به عنوان سرایندهٔ این اشعار، در جایگاه شاعری است که سعی دارد زبان فارسی دری را به صورت ادبی با مایه‌های زیبایی‌شناختی ارائه دهد؛ با این‌که خواسته یا ناخواسته اشعارش پر از درون مایه‌های جامعه‌شناختی سیاسی است که با زبان شاعرانه بیان شده است. شعر جعفری ذهن را مشغول ظرفیت زبانی شاعر می‌کند و در شیوهٔ جدید پردازش زبانی، مخاطب را غرق تصرف خیالی در زبان شعرش می‌کند؛ چنین است که شاعر در این مجموعه دنبال زبان‌آوری نیست. جذابیت‌های صوتی و موسیقایی زیاد در این مجموعه دیده نمی‌شوند. اگر تخیل شاعرانه نباشد، در واقع به هیچ وجه تشخیص داده نمی‌شود این مجموعه، مجموعه شعر است. با توجه به این‌که اولین چیزی که در شعر توجه مخاطب را جذب می‌کند، زبان است و یکی از تعاریف شعر مربوط به اتفاق است که در زبان می‌افتد. زبان شاعرانه، یعنی این‌که واژه‌ها و نوع هم‌نشینی این‌ها با هم چگونه نشسته‌اند تا تفاوت شعر با نثر رقم بخورد که خوشبختانه این اتفاق رخ داده است، زبان شعر شاعر با نگاه معتدلی که به مسائل دارد، وارد بازی‌ها و جریان‌های مختلف شعری نشده است و تلاش کرده است که زبان نرم و ویژهٔ خود را داشته باشد.

ما به مرگ خود عادت کرده‌ایم  
ما از یال اسپ‌های مان قمچینی ساختیم  
تا از ما  
آواز هفتاد پشت ما را یاد آورد.  
(جعفری، ۱۳۹۶: ۳۳)

جعفری در این مجموعه توجه جدی به زبان دارد و در زبان هم رگه‌هایی از کهنگی و فرسودگی به چشم می‌خورد؛ ولی با آن هم استفاده از ویژگی‌های زبان محاوره در شعر جعفری خوب است و شعر را صمیمی کرده است. از این‌رو، شاعر در نرم‌های زبانی از نحوهٔ تصویرسازی‌ها و فرم‌دهی به شدت فاصله می‌گیرد تا در دام تکرار نیفتد.

با توجه به این‌که زبان، تنها ریتم و آهنگ زیبا نیست؛ بلکه زلال بودن زبان، هم‌نشینی مناسب واژگان و مفهوم بودن، معانی پنهانی، رمزگرایی و وحدت ارگانیک در زبان، اصل در زبان شعرند تا هر بند یا هر بخش آن ساز جداگانه نزنند. در چنین حالت در نهایت ممکن است از یک یا چند فراز شعر به طور جداگانه لذت ببریم؛ اما به درک واحد در متن

**در بخش ساختاری، رو ساخت شعرها مدرن نشان می‌دهد؛ اما زیر ساخت‌ها سنتی‌اند؛ یعنی تبعیت شاعر از شعرهای امروزی زبان فارسی است؛ اما ساختار ذهنی شاعر سنتی با رویکرد عاطفی به درونمایه‌های شعر کهن فارسی است. تناظر حروف در بعضی شعرها دیده می‌شود. در این شعرها شاعر تلاش نکرده است تا با جابه‌جایی‌های مختصر در کلمات، شعرش را از نظر موسیقی درونی خوش‌آهنگ‌تر و خوش‌نوا تر کند.**

نرسیم. این‌گونه است که شعر به شعر موفق و تأثیرگذار تبدیل می‌شود و مخاطبان در خلوت‌شان این شعرها را زمزمه خواهند کرد و بلافاصله فراموش نخواهند شد.

ما خواسته بودیم بهشتی بنا کنیم  
که نام آن افغانستان است  
اما دریغا!  
این سکه ناچل افتاد.  
(جعفری، ۱۳۹۶: ۲۳)

در این میان عاشقانه‌های لطیفی که در زبان شعری جعفری جریان دارد، جایگاه بالایی دارند. عاشقانه‌هایی که با استفاده از تمام کارکردهای زبانی، عاطفی و هنری شاعر، شعرهای او را کمال بخشیده‌اند و باعث متفاوت شدن این مجموعه با دیگر مجموعه‌های شاعر شده‌اند.

چه می‌جویی  
از چشمم برآمده  
بازوانم را می‌کاوی  
آسمان در پیشانی من است  
باد در دستان تو موج می‌زند.  
(جعفری، ۱۳۹۶: ۲۴)

### ساختار شعری

در بخش ساختاری، رو ساخت شعرها مدرن نشان می‌دهد؛ اما زیر ساخت‌ها سنتی‌اند؛ یعنی تبعیت شاعر از شعرهای امروزی زبان فارسی است؛ اما ساختار ذهنی شاعر سنتی با رویکرد عاطفی به درونمایه‌های شعر کهن فارسی است. تناظر حروف در بعضی شعرها دیده می‌شود. در این شعرها شاعر تلاش نکرده است تا با جابه‌جایی‌های مختصر در کلمات، شعرش را از نظر موسیقی درونی خوش‌آهنگ‌تر و خوش‌نوا تر کند. صنعت «تکرار» که به عنوان آرایهٔ ادبی در شعر جعفری دیده می‌شود، گاهی شکل حشو به خود می‌گیرد. از این‌رو، موسیقی شعرهای جعفری از نوعی موسیقی که بیشتر زیر پوستی است، نشان داده شده است؛ موسیقی که حاصل این‌همانی بین درون و بیرون شعر است. در واقع وضع کلمه در سطر با توجه به موسیقی نهفته در آن، مانند بازیگری است که می‌تواند بدون بیان کلمه‌ای حتی، حس درونی خودش را با توجه به حرکات و حالات بدن منتقل کند. افزون‌براین، مشکلات هجابندی، عدم بیان شاعرانهٔ برخی شعرها، دست نبردن در برخی از قواعد (مثل قاعدهٔ هم‌نشینی کلمات یا قاعدهٔ کاربردی...) و توضیحات اضافی در شعر، باعث شده‌اند شعر بیانی به نسبت مستقیم داشته باشد.

من مرگ را دیده‌ام  
شامگاهان  
وقتی مسافری  
در صدای کفش کهنهٔ خویش  
گم می‌شود.  
(جعفری، ۱۳۹۶: ۲۲)

در حوزهٔ آرایه‌های ادبی، صورخیال در شعرهای شاعر کمی کم‌رنگ است، از این‌رو، ما در این مجموعه با تصویرهای بدیع کم‌تر برخورد می‌کنیم. هرچند که شعر حسیت خوبی دارد و به خوبی آن فضای



ملال‌انگیزی را که راوی با آن درگیر بوده است به اکران گذاشته است؛ اما بهتر بود شاعر با در نظر گرفتن برخی اصول اجرایی شعر، به چندتاویلی شدن شعرش کمک می‌کرد. به هر حال در شعرها، مخاطب با شعری ساختارمند روبه‌رو است؛ اما در برخی سطرها لحن و اجزای چهار مشکل شده‌اند که قدرت بیان و مضمون‌های شاعرانه، این کمبودی را جبران کرده‌اند.

از من می‌گریزی

و نمی‌دانم آهنگ گام‌های توست

بریده

بریده

تکرار می‌شود از دیده من

(جعفری، ۱۳۹۶: ۱۷)

از ویژگی‌های دیگر این مجموعه شعر، تقطیع مناسب و درون‌گرا بودنش است، که مخاطب را مجاب می‌کند که چندین بار اثر را بخواند و با هر بار خوانش آن ارتباط بهتری با شعر برقرار کند.

صبح

جنازه‌های خالی از دندان را جمع می‌کنم

دامنم پر شده است

از سنگ

(جعفری، ۱۳۹۶: ۲۳)

جعفری با این‌که شاعری تکنیک‌گرا زیاد نیست؛ اما از تکنیک و شگردهای شاعرانه در شعرهایش به نیکویی استفاده کرده است. شعرهایی که در آن شاعر تصویرگر فضای شاعرانه و شعرهای امروزی است.

مادرم تکه زمین است که

علف‌هایش را باد برده است

چشمانش تکه آهوی سرگردانی که

کوه‌ها

دریاها او را می‌شناسند.

(جعفری، ۱۳۹۶: ۱۱۰)

به دیگر سخن، شعر جعفری در مجموعه شعر سبب امتداد آرنج من است، تصویری کوتاه از بازسازی یک پارادوکس است، پارادوکسی که با نشانه‌های مختلف و تصاویری عینی در طول شعر نشان داده شده است. پارادوکس زندگی اجتماعی شاعر و شاعرانه‌زیستن که او را دچار زیستی دوگانه کرده است. تصاویر عینی پارادوکس‌کالی که علاوه بر این‌که مخاطب را وارد نوعی سینمای متنی می‌کند، نوعی فضای تجربی و زیستی را هم در ذهن تداعی می‌کند، سکانشی از یک اتفاق ساده که در عین پیچیدگی‌اش زندگی را فریاد می‌زند که من هستم و زندگی می‌کنم با تمام این پارادوکس‌هایی که مرا دوره کرده‌اند.

### درونمایه

درونمایه‌های شعر جعفری بیش‌تر سیاسی اجتماعی است. شعرهایی شیوا و خوش‌ساخت و با کم‌تر کاستی‌ها و لغزش‌های بیانی و زبانی، ولی در عین حال محروم از آن مایه از تمایز و برجستگی که آن‌چه در این شعرها می‌یابیم در شعر دیگران کم‌تر دیده شده باشد. با توجه به این‌که بیش‌تر درونمایه‌های شعرهای جعفری توصیف عشق، زندگی و نقد

رویدادهای اجتماعی‌اند که بیش‌تر کلی بیان شده‌اند. با همان بیان کلی و فاقد تمایزی که در شعرهای دیگران نیز وجود دارند. این‌گونه از شعرها با وجود عام بودن عناصر و تجربه‌های زندگی، مشابهت‌های زیادی دارند که در شعر دیروز و امروز فارسی بسیار دیده شده‌اند. در مقابل یک دسته شعرهای هم هستند که شاعر در آن‌ها از توصیف‌های عام و کلی در گذشته است و فضاهای خاص، تجربه‌های عینی و شخصی را پیش چشم مخاطب به نمایش گذاشته است که از ویژگی‌های خاص این مجموعه به حساب می‌آیند؛ یعنی این شعرها می‌توانند هر آن کسی را که در این موقعیت خاص باشد به کار آید و زبان حال او باشد. بنابراین، جنبه کاربردی این شعرها بیشتر از آن شعرهای کلی است. به واقع شعرهای این مجموعه با درونمایه سیاسی و اجتماعی نه بسیار عام و کلی است و نه بسیار خاص و تاریخ مصرف‌دار، بلکه در یک فضای خاص و تجربه عینی توصیف شده‌اند که نشان از ماندگاری شعر دارد.

ما آمده‌ایم که گریه‌های مان را کنار هم بگذاریم

خنده‌های مان را کنار هم

شکریم می‌خندد

گل‌بیش پر از ابرهای سرخ است که در زابل جا گذاشته است.

(جعفری، ۱۳۹۶: ۱۰۶)

### نتیجه‌گیری

جعفری در شعرهایش هرگاه شوریده است و زیر همه چیز زده است یا یک غم، اندوه و اشتیاق عمیق او را تکان داده‌اند که ریشه در روزگار تلخ او دارند، شاعرانگی نکرده است؛ اما در برخی از شعرها، شعر را به عنوان یک اثر خوب می‌خوانیم که ماندگارترین شعرهای شاعر همان‌ها هستند. همین‌طور، از ویژگی‌های مثبت این مجموعه کوتاه و موجز سرایی شاعر است؛ زیرا مخاطب امروزی با توجه به گرفتاری‌های روزانه به هیچ عنوان با اشعار بلند ارتباط برقرار نمی‌کند و به آسانی آن‌ها را کنار می‌گذارد.

عبارت‌های محکم، استوار، گاهی نگاهی از پایین به بالا، شاعری با دردهای بزرگ و این‌که خنده شاعر با گریه‌هایش در این مجموعه متضاد نیست، یکی از خوبی‌های این مجموعه شعرند. به همین دلیل ممکن است چنین تصویری ایجاد شود که اگر جعفری به دوباره‌نویسی شعر رایج می‌پرداخت، مانند خودش شعر نمی‌گفت، مجموعه‌ای شسته‌ورفته‌تر می‌داشت و شعرهای فرمی‌تر و ساختاری‌تر می‌بود؛ اما او برای فرار از صف سیاهی لشکر شعر، مانند خودش می‌ماند و می‌سراید تادنیای ویژه خود را بیافریند و طبیعی است که کاستی‌هایی هم داشته باشد.

### منبع

- جعفری، محمود، سبب امتداد آرنج من است، کابل: انتشارات دانشگاه، ۱۳۹۶.